

درباب قونسول وینر ۲۳۵

هفدهم خبر رسید «وینر» قونسول باپراخوت پست‌وارد در عشاء داده، اسباب و مبل زیادی از تخت و مندلی و میز و جعبه‌های تفنگ و غیره بیست‌و‌عرا به حمل به استرآباد [کرده] روز بیستم ماه اکتبر وارد بندر جز [شده] از آمدن از مشارالیه پذیرائی نموده به فاصله دو ساعت بندر را گردش نموده به اتفاق رئیس گمرک بندر مراجعت در پراخوت [نموده] شب بیست و یکم ماه مذکور بدقرا سو آمده میهمان آقاخان ترکمان بوده، شب بیست و دویم اکتبر با سفینه بالشویک با لباس غیر رسمی وارد بدقونسلاخانه گردیده چند نفر اجزاء [را] که سابقاً در استرآباد داشتند احضار [کرده] مشغول اصلاحات قونسلاخانه و تعمیرات می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید بعد از ورود قونسول یک پراخوت تجارتهی بایک پراخوت جنگی وارد، تردیکی بندر جز لنگر انداخته‌اند. تاچه شود.

نمره ۲۹۰

سلخ ماه اکتبر ۱۹۲۱

درباب قونسول بالشویکی

[از زمان] ورود به استرآباد تاکنون از تمام علمایان و تجار و اشراف دیدن نموده، مقصود کلی دوستی و اتحاد دولت بالشویکی با دولت ایران است. لاکن اول از حاج شیخ حسین دیدن نموده به اغوای حاج شیخ حسین انجمن محرمانه در استرآباد دایر گردیده، بعضی به عنوان جمهوریت و برخی به عنوان بالشویکی. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع

بیست و هشتم ماه اکتبر خبر رسید پنج فرسخی شمالی زیر حد گران تراکمه اتابائی با جعفر بائی تصادف نموده دوفتر از طرفین مقتول شدند.

درباب قونسول بالشویکی

ایضاً ده‌گاری اثاثیه از دریا حمل بدقونسلاخانه گردیده. میز و مندلیها و نیمکت و مندوقتهای بسته که تمام آنها اموال چپاول شده می‌باشد، اسم قونسول مزبور وینر [ست]. چندسال کمندر ۲۲۶ پراخوت بوده و اکثر مسافرت بندر جز را داشت، وضع جغرافیائی بحر

۲۳۵ - چنین خوانده می‌شود.

۲۳۶ - (= کماندور).

خزر را خوب می‌داند. اصلاً اهل سویس است. پنجاه سال از سن او می‌گذرد. تاجه‌شود.

درباب بالشویکها

بیست و هشتم ماه اکتبر خبر رسید يك عده مدویست نهری بالشویک وارد «قاری اولم» ۲۲۷ و يك عده هم زیر رود اترك وارد شده‌اند و مقصود روسها این است كديك عده ساخلو در سامان روس و ایران داشته باشند. ایضاً يك عده هم مراوه تپه عمأ قریب وارد خواهد شد.

درباب قدغن

كثرت حمل آذوقه بدروسیه بدهمین زودی ترقی فوق العاده نموده، حکمران به دولت اخبار نموده تلگرافاً امر شد قدغن نمایند آذوقه را بدتوسط تراكمه نفرستند. لیکن دوروز است دوپراخوت برنج از بندر شهسوار حمل نموده يك شب در عشوراده توقف کرده عزیمت بدسمت بادكوبه نمودند. تاجه‌شود.

نمره ۳۵۵

۱۴ ماه نوامبر ۱۹۲۱

درباب سرقت

شب دویم نوامبر تراكمه اتابائی بدقریه جعفرآباد شرقی شهر دو رأس گاو سرقت کرده بردند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه جعفربائی دو رأس مال از قریه سیدمیران ۲۲۸ يك فرسخی مغربی به سرقت بردند.

درباب حاج شیخ حسین وکیل

مشارالیه دوسه مجلس با وینر قونسول بالشویکی دید و بازدید کرده است. نطق حاج شیخ این بوده: من از طهران بعد از مدت هفت سال زحمات بی‌جهت به استرآباد نیامدم. من دیدم دولت انگلیس برضد ایران است و عمأ قریب آب و خاك ایران را به حیطه تصرف خواهد برد لهذا تقدیس می‌نمایم فرقه بالشویک را و رواج می‌دهم که دوست صمیمی و قدیمی ایران همین روس است. بدعلت آنکه تاکنون فرنگیها و روسها آرزو

۲۳۷- چنین است.

۲۳۸- (صیدمیران).

داشتند من با ایشان روی صندلی بنشینم من ابدأ مایل نبودم و حالیه با کمال افتخار و صمیمیت قلب از شما و افراد بالشویکی پذیرائی [نموده] جاناً و مالا حاضریم. مراجعت حاج شیخ حسین از قونسلخانه قونسول تعجب نموده چگونه می شود و کبل مجلس اینطور مساعدت با دولت بالشویکی داشته باشد. تاجه اقتضا کند.

درباب مالیه

سید عبدالله خان رئیس مالیه به واسطه نرسیدن وجه برای اداره و فشار ادارات بدمرکز نظام نموده جواب رسیده پنج هزار توماق بدتجار استرآباد اعتبار داده می شود. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل

دزد طایفه اتابائی روز نهم ماه نوامبر دوفرسخی شمالی، بهرام خانطی (؟) ساکن دوگونچی عروسی داشت. جمعی از خوانین و تجار و کسبه رادعوت کرده فرایشاهی حکومت با عده ای از اهالی شهر و تاجر بیچه ها و غیره می روند. سوارهای یموت از گوکلان و قجق و قان یخمز و اترک و چاتلی و غیره بدقرب سه هزار سوار آمده اسبدوانی مفصلی نمودند. در حکومت نواب معتمدالدوله مرحوم، به اغوای آقاها دی چند نفر رعایای زنگی محله هزار و یکصد گوسفند از طایفه قرنجیک چپاول کرده یک نفر ترکمان را به قتل رسانیده بودند. رعایای زنگی محله که قراسوران خط راه گموش تپه می شوند ماهی دوازده تومان حقوق دونفر ترکمان جعفر بائی مراجعت از شهر برنج حمل می نمایند. یک فرسخی شمالی دوسه نفر قراسوران از ترکمان مزبور جلو گیری کرده، یک نفر ترکمان دونفر قراسوران را تیر زده یکی مقتول [شده و] یک نفر فرار [کرده]. تفنگ یک نفر را هم بعد از تقاص گرفته رفتند. تاجه اقتضا کند.

درباب لیانازوف

پانزدهم ماه نوامبر خبر رسید چند نفر از طرف بالشویکها و یک نفر نماینده از طرف دولت ایران به قراسو وارد شده بقیه اثاثیه لیانازوف را که در قراسو مانده است عوض قروض او بدهند.

درباب حکومت

امیر اعظم به سبب نداشتن وجه اکثر روزها در منزل است. به دارالحکومه نمی رود. سه چهار هزار تومان متفرقه توی شهر قرض کرده، اهالی هم دیگر پول نمی دهند. عجالتاً هرج و مرج ۲۳۹ است. چندین شعبه ادارات دارد که هر کسی را بچاپند و اذیت نمایند کسی نیست گوش بدعرایض مظلومین ۲۴۰ بدهد. دوسه نفر آخوند به واسطه دایر کردن

عدلیه و بستن دکانهای ایشان با رئیس عدلیه طرفیت نموده که عارض و معروض در منزل ایشان مرافعه نمی‌روند. انجمن کرده شکایات بی‌جهت می‌نمایند. اگرچه عدلیه و عضویان عدلیه هم از گرفتن وجه رشوه استفاد کرده باکی ندارند.

نمره ۳۱

۲۴ ماه نوامبر ۱۹۲۱

درباب قتل

شانزدهم ماه نوامبر خبر رسید ملازم حاج آقابابای جزئی بدقرا سو رفته بود، تراکه جعفر بائی او را بدقتل رسانیده مال و جزئی وجهی را می‌برند.

درباب قتل زنگی محله

بدعرض رفته بود طایفه جعفر بائی دو نفر رعیت مذکور را بدقتل رسانیده و تقاض کرده‌اند. نواب والا امیر اعظم سمرتبه ملازم مخصوص بدطایفه جعفر بائی فرستاده قاتل را بدهند. ترکمانها علناً جواب کرده بدطفره گذرانیده و نمی‌دهند. در این چند روزه تبارگموش تپه و غیره بکلی ترک ایاب و ذهاب را نموده ابدأ بشهر نمی‌آیند. چون رعیت زنگی محله بسخو نموده‌اند. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

هیجدهم ماه مذکور خبر رسید طایفه جعفر بائی سدرأس مال از قریه حیدرآباد دوفرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

درباب وجه

پنج هزار تومان وجه این دوروزه برای امیر اعظم رسیده است. فقط جزئی وجهی بدقرا سورانهای شمالی داده و بقیه را بدقروض شخصی [پرداخته] و منتظر بقیه حقوق می‌باشد. تاچه شود.

درباب عدلیه

شیخ اسماعیل قاضی و میرزامهدی مجتهد بدعلت چندطغرا حکم ناحق از ناحیه ایشان به محکمه عدلیه ارائه داده شده و رئیس عدلیه بعد از رسیدگی و محاکمات حکم باطله ایشان را نقض کرده، خصوصاً شیخ اسماعیل چون یاک معامله بی‌شرطی راجع به خودش بوده با حاج محمد اسمعیل تاجر طرف بوده و اجراء حکم مشارالیه نشده است طرفیت با رئیس عدلیه و عضویان نموده و چند طلاب و دوتن وکیل را اغوان نموده رئیس عدلیه را

توهین [نهوده است]. در ضمن تلگرافی بدوزارت عدلیه شکایت می نمایند. يك عده از تجار و کسبه و علما هم بدحمایت رئیس عدلیه تلگرافی بدوزارت می نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۲۵

غره ماه دسمبر ۱۹۲۱

درباب جواب

وزارت عدلیه در جواب تلگراف شیخ اسماعیل قاضی اظهار می دارد شکایت از امین عدلیه استرآباد را رجوع نمایند بداستیناف مازندران، اگر خلاف غیرقانونی از مشارالیه صادر شده است توضیح بدهد.

درباب مدرسه سعادت

حاج شیخ حسین و کیل استرآباد بعد از تشکیل مدرسه [آن را] موسوم بدسعادت گذارد، عده ای از اطفال را در مدرسه برده، لکن در خارج انجمن بالشویکی را انعقاد کرده است. مطالب را حکومت استرآباد به طهران راپرت داده. بیست و هفتم ماه نوامبر بدحکومت تلگراف نمودند مدرسه را توقیف نمایند. فوراً مدیر مدرسه را احضار [و] امر نموده بچدها را بیرون نمودند. حاج شیخ حسین تحریک را از ناحیه آقامیرزامهدی و سردار اشرف تصور کرده عجالتاً سفرقه در استرآباد هستند که برعلیه یکدیگر رفتار [نموده] و حکومت استرآباد هم به واسطه نرسیدن وجد افسرده حال است و بدامورات حکومتی رسیدگی نمی کند. تاچه اقتضا کند.

درباب تراکمه

بیست و هشتم ماه نوامبر آقاخان جعفربائی بانفس سردار وعده ای ترکمان برای قتل زنگی محله خدمت حکمران آمده اظهار می دارند ترکمان قاتل در «آلتی تخماق» نزدیکی اترک ساکن است. دویست نفر ژاندارم بادو عراده توپ بدهید. هم يك عده سوار جعفربائی رفته باید نزاع نمائیم تا قاتل رادستگیر کرده بیاوریم. اولاً حکومت پول ندارد. ثانیاً ژاندارم از توی شهر قادر بر حرکت نخواهد بود که در اترک برود و مقصر [را] بیاورند. عجالتاً ترکمانها در تلگرافخانه رفته بدریاست وزراء تلگراف می نمایند اگر پول کافی برای امیراعظم نفرستید بدزودی در استرآباد اغتشاش کلی رخ می دهد که جاوگیری آن سخت است. اگر هم پول نمی دهید استعفای امیراعظم را قبول نمائید. مراجعت بشاهرود نمایند. تاچه اقتضا کند. (حسین قلی) ۲۲۱.

نمره ۳۳۵

۸ دسمبر ۱۹۲۱

درباب اعدام

به عرض رسانیده بود در موقع جنگ محمدتقی خان يك نفر آجدان ۲۲۲ با چند نفر شب در مخزن تفنگ و کیل قراول را بدقتل رسانیده فرار کرده. سه نفر از آن عده دستگیر بعد از استنطاق تلگرافاً امر شد سه نفر را اعدام نمودند.

درباب سرقت پست

سارق پست از قرار معلوم غلام پست بارفاقت قزاقها در حمام خرابه قزلق که یابوی غلام را خفه کرده بودند پیدا نموده و بسته کاغذها را هم در آنجا ریخته بودند. لکن تجار استرآباد به لجاجت با سردار اشرف چندی است شهرت داده اند به دستگیری مشارالیه ابوالقاسم خان کلاتر بلوک که جزو رئیس ژاندارم بوده پول را سرقت کرده است.

درباب پست

از طهران بد کلنل ۲۲۲ ژاندارم امر شده است پول مسروقه را به هم رسانیده به صاحبانش برسانید. وجه را که غلام پست بد اتفاق قزاقهای مأمور خراسان برده اند، لکن بدون جهت غرض و عناد تجار با سردار اشرف دو نفر قرا سوران را حبس کرده همه روزها ابوالقاسم خان را احضار و مسئولیت وجه مسروقه پست را از مشارالیه مطالبه دارند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب دویم دسمبر دزد اتابائی دو جفت گاو از منزل امیریار (؟) مسیحی سرقت کرده برده اند.

درباب قتل

چهارم ماه مذکور خبر رسید يك نفر ترکمان را زیر حد قریه ترنگ تپه سه فرسخی مشرقی بدقتل رسانیده از قرار مذکور قاتل ترکمان طایفه داز است که تفنگ مقتول را برده اند.

درباب چپاول

ششم ماه دسمبر خبر رسید تراکمه جعفر بائی ده فرد گامیش از قریه کردم حله

۲۴۲ - (آزان).

۲۴۳ - اصل: کرنل.

چهار فرسخی مغربی بدسرت می‌برند. اهالی قریه مذکور تقاص کرده پیاده رفته بیست فردگامیش ترکمان را چاپیده آوردند.

درباب استعفا

ایضاً نواب والا امیر اعظم جداً از حکومت استرآباد استعفا داده است. لکن رضاخان وزیر جنگ جداً جواب داده که استعفای شما پذیرفته نمی‌شود. عمأ قریب برای شما پول فراهم شده حمل می‌شود.

درباب حقوق آژان

پنج‌ماه است حقوق آژانها نرسیده. از کثرت قروض در بازار و غبره وفلاکت بودن کلیه خجالت می‌کشند در بازارها راه بروند. شب هفتم ماه مذکور عموماً از شدت استیصال نشانهای اداره را کنده ریختند. کلنل ژاندارم آژانها را احضار و نصیحت کرده و قول داده است دو روزه برای آژانها از دولت حقوق بگیرد. تاچه شود.

نمره ۳۴

۱۹ ماه دسمبر ۱۹۲۱

درباب سرقت

شب دهم دسمبر خبر رسید تراکمه داز یک‌بار شالی و یک‌بار کشمش با دو رأس مال از قریه آهنگر محله دوفرسخی به‌سرقت بردند.

درباب قتل

ایضاً رعایای سرخونکلاته به‌تحریک مشیر نظام مقصودلوی یک‌نفر ترکمان را زیر حدقریه ترنگ‌تپه سه‌فرسخی مشرقی به‌قتل رسانیده مقتول هفت گلوله داشت.

درباب چپاول

روز دوازدهم ماه مذکور بعد از ظهر دو نفر پیاده جنب حصار شهر دو رأس مال ترکمان طایفه داز را گرفته بردند. حکومت برای استرداد مالهای مزبور امر کرده دو بیست تومان از... ۲۴۴ قرای نزدیک به شهر الترام گرفته پنج روزه یا سارقین را بدهند یا وجه غرامت [را] بدهند.

درباب تبعید

میرزا محمود نام داداشاف که اصلاً قفقازی است یکسال بود در استرآباد به عنوان قرآن خوانی و قرائت خواندن با تمام اهالی خصوصت ورزیده در باطن مردم را تبلیغ به بالشویکی می کرد. دو ماه قبل سی هزار تومان بالشویکها بناو داده بودند در استرآباد و شاهرود به مردم داده تبلیغ نماید. روز چهاردهم ماه مذکور کشف مطلب شده به حکومت راپرت می دهند. حسب الامر او را گرفته تحت الحفظ به طهران می فرستند.

درباب حکومت

حسب الامر نواب والا امیر اعظم چون از طهران پول فرسیده است تراکمه جعفر بائی را به وعده امروز و فردا نگاه داری ندوده است. توسط سردار اشرف جمعی از تجار را احضار، چهار هزار تومان دو ماهه وجهی به عنوان قرض می خواهند. تجار جواب دادند اولاً پول خیلی کم شده اگر شالی به این مقدار می خواهید حواله تر کمانها نموده بدهم.

درباب سرقت

شب ۱۶ دسمبر دزد طایفه داز بدقریه اصفهان کلاته رفته هفت رأس مال مکاری را بدسرت بردند.

درباب قونسول

مشارالیه در این مدت دو ماهه عرض حقوق اجزاء سبلهائی که همراه آورده است قیمت کرده [بجای] مواجب نوکرها محسوب می دارد.

درباب حکومت

ایضاً برای شرارت تراکمه مهدی شاه ایلخانی را احضار به شهر نموده به اتفاق بیست نفر سوار روز هیجدهم وارد شهر شده، نواب والا منتظر تحویل پولی هستند که چند روزی فراهم کرده به طایفه یموت و گموش تپه رفته برای آسایش مردم قراردادی نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره اول

به تاریخ غره ماه جنواری ۱۹۲۲ مسیحی مطابق غره جمادی الاولی ۱۳۴۰

درباب وجه

ایضاً سفارت بالشویکی پنج هزار تومان وجه به توسط پست برای قوساخانه استرآباد فرستادند.

درباب نواقل و تحدید

بیستم ماه دسمبر میرزا حسن خان ملقب بدمالك، بدریاست تحدید و نواقل به استرآباد وارد شدند. حسب الامر ایالت قرار است يك خیابانی جلو دیوانخانه جنب حصار شهر سنگ فرش کرده دروازه بسطام و دروازه فوجرد را هم بسازند. تا چند روز.

درباب مهدی شاه

بعد از ورود مشارالیه سی سوار از تراکمه قجق وقان یخمز که جزو سوارهای شخص ایلیخان می باشند وارد [شده]، لکن جناب ایلیخان ده منقال شیر تریك اضافه نمی کشند.

درباب عدلیه

منصورالدمالك رئیس عدلیه به سبب ضحیت شیخ اسماعیل قاضی و عدم مساعدت حکومت از شغل خود استعفا داده بیست و دویم ماه مذکور عزیمت به طهران نمودند.

درباب رفتن امیر اعظم به صحرا

نواب والا امیر اعظم رفتن به طایفه جعفر بانی و گهوش تپه را برای خود افتخار دانسته به توسط سردار اشرف و مهدی شاه ایلیخان و یکمده سوار اجزاء شخصی و متفرقه و ژندارم به عنوان گرفتن قاتلین زنگی محله روز بیست و پنجم ماه دسمبر حرکت کرده شب را يك فرسخی دغری به قریه لاسك توقف [کرده] میهمان سردار اشرف بوده صبح بیست و ششم نفس سردار با چند نفر سوار وارد دره هاشم آباد [می شوند] صبح ناهار می نمایند. شب را به او به نفس سردار می ماند. صبح بیست و هفتم عزیمت به گهوش تپه نموده است. تا چند شود.

درباب سرقت

شب بیست و هفتم ماه مذکور دزد طایفه اتابانی نوی شهر وارد [شده] دو باب کارخانه عماری را شکفته دو رأس گاو، دو بوط روغن کنجد سرقت کرده بردند.

درباب قتل

شب بیست و هشتم دسمبر مقارن غروب مدنتر ترکمان اتابانی از قریه محمدآباد به سمت اوپه خود می رفتند سه نفر پیاده به تحریک رؤسای شهر دریکه مازو بسخوداشته، دو نفر ترکمان را به قتل رسانیده رفتند. حرکت امیر اعظم به سمت گهوش تپه برای گرفتن قاتل و تفریح بود، لکن اهالی به ضدیت هم برعایه حکومت اسباب چینی کرده نواب والا چگونه می تواند باین شرارت تراکمه و مدفرقه بودن اهالی و نرسیدن وجه و نداشتن استعداد جلوگیری کرد، حکومت نمایند.

www.KetabFarsi.com

مخبرات استرآباد

۱۹۲۲

دوم جمادى الاولى ۱۳۴۵ - ۱۲ جمادى الاولى ۱۳۴۱

نمره ۲۵

۱۳ ماه جنواری ۱۹۲۲

درباب چپاول

دویم ماه جنواری خبر رسید تراکمه طایفه قرقچی یک بلوک گاو، یک باوک گوسفند از کتول شش فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب سرقت

ایضاً دزد طایفه اتابائی به قریه علوی کلاته رفته یک رأس مال، دوزاس گاو سرقت کرده بردند.

درباب ورود

رئیس عدلیه سمنان حسب الامر وزارت به مأموریت استرآباد [آمده] روز چهارم جمعی از دوایر دولتی استقبال رفته وارد شدند.

درباب سرقت

ایضاً طایفه جمعریائی به قریه توشن یک فرسخی شهر رفته سه رأس گاو سرقت کرده بردند.

درباب حکومت

به عرض رفته بود امیراعظم بایکصد نفر عده به عنوان تفریح و گرفتن چند نفر اشرار به گموش تپه رفته است. شب را در منزل نفس سردار که طایفه نورعلی باشد توقف کرده، طایفه یارعلی که ساکن گموش تپه هستند برعاید طایفه نورعلی امیراعظم را به خود راه نداده مراجعت به سوچوال [کرده] وارد به منزل اللهقلی قاضی می شوند. چند نفر سارق را امر کرده گرفتند. روز هفتم ماه جنواری زمان حرکت از سوچوال یک عده از تراکمه سر راه بر نواب والا گرفته خیال جنگ داشتند. اللهقلی قاضی به اتفاق ایلیخانی به زبان

ملایم سوارهای تراکمه را ساکت نموده به ترکمانها اطمینان دادند گریستن این چند نفر ترکمان فقط برای انتشار مطلب و اشتباه کاری بد دولت است که امیر اعظم در جعفر بائی رفته چند نفر سارق را دستگیر کرده است. این دوسه نفر را بعد از چند روز باخاعت و انعام مرخص خواهند نمود. از راه قراسو به کردمحله آمدند. شب را در کردمحله اقامت کرده صبح هشتم بندر جز رفتند. یک شب تجار مسیحی نواب و الارا دعوت نموده روز نهم مراجعت به شهر [کردند]. در ضمن چند نفر از سارقین کردمحله را مغولاً همراه خود آورده حبس نمودند. تا چداقتضا کند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی دو رأس مال از سلطان آباد دو فرسخی شمالی بد سرقت بردند.

درباب تحدید

میرزا حسن خان مالک به ریاست تحدید وارد [شده] چند روزی توقف [کرده] سید عبداللہ خان رئیس مالیه از مشارالیه شکایت کرده مجدداً اداره تحدید تسلیم مالیه و او را احضار به مرکز نمودند.

درباب ورود

یاک گروهان عمده ژاندارم که به مأموریت خراسان رفته بودند مجدداً مأمور استرآباد گردیده بادو عراده توپ شصت تیره مسلسل روز یازدهم وارد شدند.

درباب مالیه

بودجه اداره مالیه را از طهران وزیر عدلیه اخطار کرده است که از برج دلو تومان صدقران و هشتصد دینار از حقوق کسر ۲۴۵ نمایند. تا چداقتضا کند.

نمره ۳۵

۲۴ جنواری ۱۹۲۲

درباب قتل

۱۴ ماه جنواری خبر رسید دو نفر تراکمه داز را جنب قرید قلی آباد ملک سد فرسخی مشرقی مقتول [کرده اند] و قاتل نامعلوم است. تراکمه مدعی هستند که رعیت قلی آباد یا قاتل را نشان بدهند یا از عهده قتل باید برآیند. رعیت مذکور بکلی از قتل ترکمان

اظهار بی اطلاعی می نمایند و می گویند مرتکب امیری (؟) پشت بسطامی می باشند.

درباب قتل

[بهنگام] مراجعت امیراعظم از بندر جز ریش سفیدان طایفه اتابائی عریضه به حکومت نوشته اند که قاتل دونه تر کمان به تحریک آقاهاشم و قاتل محمدعلی نودیجه [ای] و ذبیح الله لدله دوینی و قربان می باشد. حسب الامر سدنتر قاتل دستگیر و در اداره نظمیه حبس [نمودند]. بعد از دوروز چوب مفصلی به آنها زده، ذبیح نام اقرار می نماید آقاهاشم بیست تومان بدماها داده و ترکمانها را ماکشته ایم. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

پانزدهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه ایلغی بدقریه سرخونکالاته دوفرسخی مشرقی رفته هیجده رأس مالهای مکاری گموش تپه راسرقت کرده برده اند.

درباب مرخصی

سابقاً بدعرض رسانیده بود رفتن امیراعظم بدجعفربائی و گرفتن دوسه نفر ترکمان مقصود راپرت پولتیکی بددولت است. نواب والا درصحرای یموت رفته خدمت نموده است و مبلغ زیادی مخارج کرده، بعداز چند روز طایفه جعفربائی بدشهر آمده خواهش نمودند نواب والا ترکمانها را مرخص کرده ایباخانی بهقرب یکصد تومان انعام و خلعت داده رفتند. تاجه اقتضا کند.

درباب کلنل ۲۴۶

نواب محمدحسین میرزا، کلنل فرمانده ژاندارم را رضاخان وزیرجنگ تصویب نموده اند که ریاست پانزده هزار نفر قشون شرق با نواب والا خواهد بود. روز شانزدهم امیراعظم بایک عده از صاحب منعبان و اعیان کلنل را مشایعت نموده عزیمت به خراسان نمودند. تاجه شود.

درباب سرقت

شب شانزدهم ماه جنواری دزد طایفه جعفربائی توی شهر آمده دورأس مال از میدان سرقت [کرده] بردند.

درباب رفتن احمدشاه به اروپا

هیجدهم ماه مذکور عالیحضرت احمدشاه برای مسافرت به فرنگ تلگرافی بدحکومت و علمای بلد نموده، نواب والا امیراعظم مجتهدین و تجار را احضار نموده تلگراف را

قرائت نمودند. چند نفر از علما در مجلس رأی دادند که رفتن شاه جایز نیست. تلگرافی نوشتند بدامضای عموم علما حضور احمدشاه مختابره و اظهار بی میلی برای مسافرت به فرنگ نموده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب بیستم ماه مذکور دزد طایفه... ۲۴۷ توی شهر هفتاد رأس گوسفند قصابی را با يك تفنگ پنج تیره بردند.

درباب سرقت

شب ۲۲ جنواری هفده نفر ترکمان ایلی بدشهر آمده دیوار عمارت حکومتی را شکافته دورأس اسب مخصوص حکومت را بادورأس یابو سرقت کرده بردند. صبح مذکور پانزده نفر مکاری شاهرودی به دیوانخانه وارد [شده] آه و ناله زیادی [کردند] که دو شب را در خیرات توقف داشتیم، نصف شب پیاده ترکمان ریخته يك نفر قراسوران را تفنگ زده مشرف به موت است. سی رأس قاطر، هفت رأس الاغ با اثاثیه آنچه بود به غارت بردند. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

شب بیست و سیم ماه مذکور تراکمه اتابائی به قریه جالین يك فرسخی مشرقی رفته يك بلوک گوسفند سردار اشرف را چپاول نموده بردند.

نمره ۴

۳ فرواری ۱۹۲۲

درباب قتل

شب بیست و سیم دزد تراکمه به قریه تقریباً سه فرسخی مشرقی رفته يك رأس ال را سرقت می نمایند. صاحب مال تعاقب کرده تراکمه او را مقتول و مال را بردند.

درباب بالشویکها

ایضاً خبر رسید دولت ایران به سرحدات بحر خزر ۲۲۸ غدغن سخت نموده است بالشویکها را نگذارند از دریا خارج شوند. بیست و هفتم ماه مذکور خبر رسید يك پراخوت وارد بندر جز گردیده بالشویکها خواستند بیرون بیایند مفتش گمرک امر کرده

۲۴۷ - يك کلمه ناخوانا.

۲۴۸ - اصل: خذر (درهمجا).

ژاندارم قراول توی سربالشویک زده، توی لتکا افتاده برگشتند. تاچه اقتضا کند.

درباب اسب مسروقه

به عرض رسانید دبود اسبهای امیراعظم را از ارگ دولتی سرقت کرده اند. بدتوسط سردار اشرف دو بیست تومان وجه بدتوسط نفس سردار طایفه جعفربائی برای سارقین طایفه ایلغی فرستاده اسبهارا بادونفر سارق خدمت امیراعظم آورده بداغوای سردار اشرف سارقین عرضه داشتند که سه خروار شلتوک آقاعلی خان مقصودلوی بدماها داده اسبهای حکومت راسرقت کردیم. مطالب را بدحاج شیخ حسین وکیل اظهار می نمایند. فوراً سه پاکت بدحکومت واداره ژاندارم و عدلیه می نویسد، چون تراکمه آقاعلی خان را متهم بدسرقت نموده اند باید استنطاق نمود محرک را مجازات نمایند. امیراعظم متوحش شده ترکمانها را بامهدی شاه ایلخانی روانه به صحرا نموده شخصاً روز بیست و نهم جنواری منزل حاج شیخ حسین رفته معذرت [خواهی] و دلجوئی از ایشان نمودند. عجالتاً توی شهر چندین حوزه ۲۴۹ از تجار و علما و اعیان و کسبه منعقد شده هر یک بر علیه یکدیگر رفتار می نمایند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی دو رأس مال از قریه رستم کلاته دوفرسخی مشرقی بردند.

درباب ایاب و ذهاب ترکمان

مدتی بود تراکمه جعفربائی برای قتل دونفر قراسوران زنگی محله قطع مراوده باشهر نموده بودند. مهدی شاه برای جذب قلوب اطمینان بدجعفربائی داده مال التجاره ازگموش تپه حمل می نمایند بایست نفر سوار آقاولی.

درباب چپاول

غره ماه فرواری چهل نفر سوار جعفربائی دوفرسخی شمالی آمده هشتصد رأس گوسفند چپاول می نمایند. مهدی شاه ایلخانی در محمدآباد توقف داشته فوراً باچند نفر سوار شخصی تراکمه را تعاقب [و] جنگ مختصری نموده رعایای زنگی محله هم برای گوسفندان خود به کمک ایلخانی رسیده جنب پل یکه مازو گوسفندهارا از تراکمه پس گرفته. لکن بدقرب هشتاد فرد گوسفند شب در خرابه مانده حیوانات درنده تفریط کردند. ایضاً رعایای زنگی محله شب دویم ماه مذکور بدسمت جعفربائی رفته نه رأس گامیش تراکمه را چپاول کرده آوردند. تاچه شود.

درباب مکاریها

مالهای چپاول شده در خیرات، ایلخانی در قریه سلطان آباد رفته رؤسای طایفه

اتابائی را احضار [و] مالهارا مطالبه می نمایند. تراکمه جواب می دهند چون دولت ایران هرج ۲۵۰ و مرج است و پادشاهی ندارد، لهذا ماهم توقعی از حکومت استرآباد نداریم. سیصد و پنجاه تومان وجه بفرستید مالهارا می دهیم. ایلیخانی مراجعت کرده روز سیم ماه فرواری مطالب تراکمه را به عرض حکومت می رساند. تاچه شود.

درباب تحدید

از مرکز تلگرافاً رئیس تحدید استرآباد را احضار می نمایند. تلگرافچی اشتباه نموده حسن خان مالک رئیس تحدید استرآباد را احضار [کرده] فوراً تمبر را تحویل رئیس مالیه داده عزیمت به شاهرود [می نماید] بعد منکشف شد که اشتباه نموده عوض رئیس استرآباد رئیس تحدید استرآباد را احضار کرده است.

نمره ۵

۱۱ ماه فرواری ۱۹۲۲

درباب کشف پول

سابقاً به عرض رسانیده بود. یازده هزار تومان خرده پول طلا و جواهر و شمش نقره در بین گدوک قزلق به سرقت برده اند به دستگیری اداره ژاندارم بوده. بعد از حرکت کلنل ۲۵۱ نواب محمد حسین میرزا کشف گردیده نایب حسین ژاندارم که بیست قزاق با او بوده مرتکب سرقت می شود. مقداری کلنل مزبور از جواهر و طلای مسکوک را غنیمت شمرده و حالیه برای اینکه سرقت را مجبوراً به عهده استرآبادی قرار دهند ابوالقاسم خان اقوام سردار اشرف را متهم نموده با دوسه نفر ملازمش در اداره حبس کرده اند. لکن پولی در بین نیست. به همین خدعه و تزویر می خواهند سرقت را از اداره ژاندارم خارج نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

نواب والا به قرب هشت هزار تومان در استرآباد مقروض شده، لکن طلبکاران حضرت والا عده کثیری از سبزی فروش و علاف و بقال، عطاری، کسبه و تجار توی شهر از بناء و نجار و غیره می باشند. تمام اصناف جواب کرده اند که مخارج دیوانخانه را متحمل بشوند. باین حال باز هم تراکمه را وعده مواجب و انعام داده روز و شب هفتاد تومان مخارج کارخانه امیر اعظم است.

درباب استرداد

هشتم ماه فرواری بر حسب خواهش ایلیخانی دویست و پنجاه تومان وجه برای تراکه اتابائی فرستاده شد. سی و پنج رأس مال و قاطرها را لخت و عریان تراکه به شهر آورده تقدیم حکومت نمودند.

درباب روسیه

ایضاً خبر رسید قحط روسیه به اندازه [ای] باعث عسرت ۲۵۲ و تکدی بلشویکها را فراهم کرده [که] جواهرات و طلا و نقره به قیمت خیلی سهلی بدفروش می رسد. گندم و گشته ۲۵۲ حمل بدروسیه می نمایند. گندم صدمن تبریز بیست و پنج تومان [در] استرابان می فروشند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۶

۱۷ ماه فرواری ۱۹۲۲

درباب قتل

۱۲ فرواری خبر رسید يك نفر تر کمان داز را صحرای کمالان شش فرسخی مشرقی به قتل رسانیده اند.

درباب سرقت

شب ۱۳ دزد تراکه اتابائی توی شهر آمده چهار الاغ، سه رأس گاو از محله میدان ازخانه بدسرت می برند.

درباب قتل

ایضاً دونفر رعیت مهتر کلاته بدعنوان خصوصیت با تر کمان می روند. در سوچوال تراکه جعفر بائی با عیسی نام سابقه داشته و آدم کاری بود متوحش بودند به قتل رسانیده اهالی مهتر کلاته مخبر شده به فاصله دوروز يك نفر تر کمان جعفر بائی را تفاس کرده به قتل می رسانند. تاجه شود.

درباب جشن

حسب الامر حکومت جار کشیدند بازار را چراغانی ۲۵۲ نمایند. محفر چراغی در

۲۵۲- اصل: عسرت.

۲۵۳- کذا: ظاهراً کشته مقصود است که بد معنی خشکبار است.

۲۵۴- (= چراغانی).

بازار گذارده شب پانزدهم را اداره نظمیة جشن و سوری ۲۵۵ مهیا کرده امیراعظم با اجزاء و دوایر دولتی مقارن غروب به اداره نظمیة رفته تا ساعت چهار از شب در آنجا بوده صرف شربت و چای و مرکبات [کرده] موزیکانچی اداره قشونی به سلامتی مجلس شورای ملی یک ساعتی مشغول نواختن بودند.

درباب چپاول

قرای استرآباد هر بلوک بایک طایفه از ترکمان خصوصیت و مودت علیحدہ دارند که به عنوان ساخلوئی آن بلوک را نگاه داری می نمایند. من جمله بلوک کتول از سابق متعلق به طایفه دویچی بوده، در این چندساله تصرفات روسها طایفه داز رسوخی در کتول پیدا کرده به سبب عدم کم قوه بودن طایفه دویچی طایفه داز سرکوب شده شانزدهم ماه فرواری طایفه داز یک بلوک گوسفند کتول چپاول می نماید. طایفه دویچی تعصب ورزیده جلوگیری می نماید. جنگ (؟) که خان طایفه دویچی بوده مقتول [شده] طایفه داز گوسفندها را بردند.

درباب اتابائی

هفدهم ماه فرواری یکی از ریش سفیدان اتابائی به شهر آمده به توسط ایخاننی خدمت امیراعظم رفته عرضه داشتند چون ماها خدمت گزار شما هستیم علی محمد باندیج نام که بد تحریک آقاهاشم مرتکب قتل ترکمان شده اگر انکار دارند به طریق قضاوت و شریعت اهل سنت چهل نفر از ترکمان قسم به جلاله یاد خواهند کرد قاتل را به قتل برسانند، یا چهل نفر اهالی شهر قسم بخورند و ماراساکت نمایند. حکومت تجار را احضار با چند نفر آقایان علما دیوانخانه رفته طرفین متعهد شد. یک طرف... ۲۵۶ نمایند.

درباب بارندگی

از اول برج عقرب تا کنون هوای استرآباد معتدل، بامواشی خیلی مساعد بوده، اراضی و صحراها سبز و خرم و چمنزار عاف زیاد بوده، لکن این هفته هوا منقلب شده، شب و روز برف و باران سخت آمده، هر آینه امتداد پیدا نماید برای مواشی و مال سخت خواهد بود. تاچه شود.

نمره ۷۰

۲۸ ماه فرواری ۱۹۲۲

دربا بروسها

چهارپنج نفر از قزاق‌باشی‌ها [ی] روسی که از اداره قشونی آنها را خارج کرده‌اند به‌مازندران رفته جزو در اداره ژاندارم مستخدم شده بودند. رضاخان وزیر جنگ غدغن کرده ایشان را از اداره خارج کردند.

درباب چپاول

نوزدهم ماه فرواری تراکمه جعفربائی یکصد و بیست رأس گامیش از کردمجاه چپاول کرده بردند. رعایای کردمجاه به‌قراسو رفته سه‌نفر ترکمان، دورأس اسب، شش قبضه تفنگ‌گرو کرده آوردند. تلگرافاً به‌حکومت راپرت دادند حسب‌الامر نواب‌والا آقامیرزا هادی به‌جعفربائی رفته مقدار هفتاد رأس گامیش را باپنج‌نفر سوار ترکمان به‌شهر آورده تقدیم حکومت نموده، بقیه را در همان کردمجاه تسلیم نموده ترکمانها را رهانمودند.

درباب چپاول

بیست و دویم ماه مذکور خبر رسید هفت‌نفر تراکمه داز وایلغی به‌قریه مرزبانکلاته دوفرسخی مشرقی رفته یک بلوک گوسفند چپاول کرده بردند. صاحبان گوسفند به‌صحرا رفته چهل تومان به‌سارقین داده گوسفند خود را عودت دادند.

درباب سرقت

ایضاً شب ۲۳ فرواری دزد اتابائی توی شهر کاروانسرای حاجی مهدی راشکافته سه‌رأس مال مکاری را به‌سرقت بردند.

درباب حکومت

به‌عرض رفته بود در موضوع قتل دو نفر ترکمان طایفه اتابائی جداً به‌حکومت‌اخطار کرده قاتل ما را به‌قتل برسانید. اهالی شهر به‌اغوای حاج‌شیخ حسین وکیل‌دویست نفر متجاوز به‌دیوانخانه رفته با ترکمانها طرفیت [کرده] در حضور حکومت با ایلخانی و امیرامجدوسردار اشرف حرفهای خشن و تهدید ۲۵۷ آمیزی اظهار داشته، علی‌محمدقاتل را مجبوراً از حبس حکومت بیرون آورده بردند.

درباب تراکمه

چندی است عقلای طایفه جعفربائی بایک عده ریش سفیدان در دوفرسخی شمالی بین خاک اتابائی و جعفربائی به عنوان انجمن و اتحاد با طایفه همجوار خود و سایر طوایف هر پنج خانه یک الاچیق در آنجا برده سیورسات زیادی هم برای رسیدن میهمان خارج تهیه نموده به اسم آقا ولی همه وقت یک عده سوار مسلح اضافه از دو بیست نفر از ایلات به نوبه حاضر شده، سی سوار عرابدهای تجارتنی را وارد شهر کرده و عودت می دهند. قضات و پیرمردان یموت باهم مشورت نموده رأی دادند به حکومت استرآباد نوشته اگر میل دارد امنیت برقرار باشد به طهران خبر بدهند، کلیه ادارات را با عده ژاندارم احضار به مرکز نمایند، و این اختلاف بین ولایت و یموتی را تراکمه متعهد می شوند اگر مالی از اهالی شهر یادهات سرقت بشود طایفه آقا ولی از عهده برآیند. شرآینه ولایتی از ترکمان سرقت نماید حکومت از عهده برآید. تاجه اقتضا کند.

نمره ۸۰

۷ ماه مرج ۱۹۲۲

درباب سرقت

شب غره ماه مرج دزد طایفه اتابائی توی شهر خانه [ای] را شکافته یک رأس [مال] سنگسریها را که به عنوان خرید گوسفند آمده اند به سرقت بردند.

درباب خبر

ایضاً تراکمه گموش تپه سالک زاده تلگرافچی را توسری زیسادی زده و او را از گموش تپه بیرون می نمایند. اجناس زندگانی او را به غارت بردند. امیر اعظم مأموری برای استرداد اجناس مشارالیه فرستاده ندادند.

درباب سرقت

ایضاً شب چهارم ماه مذکور پنج رأس گاو از توی شهر سرقت کرده بردند.

درباب حکومت

این چند ماهه حکومت امیر اعظم... ۱۵۸ در استرآباد و سرحدی اغتشاش رخ داده که اهالی دهات برای رفت و آمد در شهر یک عده با تفنگ جمع شده ایاب و نهاب می نمایند. یک نفر دونفر ابداً قادر نمی باشند از شهر خارج بشوند. من جمله فراش عدلیه را جنب حصار شهر با یک نفر و کیل لخت کرده احکام و لباس آنها را به غارت بردند. شب ششم

ماه مرچ عباس میرپنجه که سابقاً باده نذر قزاق مأمور گنبد قابوس بوده به حکومت استرآباد تصویب شده است. ایشان از طرف خود کفالت را به اعتصام الممالک کار گزار رجوع نموده، امیر اعظم این دو روزه مسافرت به طهران خواهند نمود. تا چه اقتضا کند.

نمره ۹

۱۴ ماه مرچ ۱۹۲۲ (۱۳ رجب)

درباب خبر

حکومت بندر جز تلگرافاً راپرت می دهد ترکمانهای جعفربائی بالتکا می روند زیر حد قرا تپه و شاه گله دوفرسخی اشرف جنب دریا به عنوان کسب. پنج نفر همکاری گلوگاهی نوی خیابان دستگیر و اموال آنها را غارت کرده، مراجعت یک بلوک گوسفند چپاول بالتکا آوردند. خواهر ۲۵۹ زاده سردار رفیع که از غارت شدگان است ناپسند است. معلوم نیست به قتل رسیده یا اسیر شده یا فرار به جنگل نموده است.

درباب قتل

هشتم ماه مرچ تراکمه جعفربائی زیر حدهاشم آباد دوفرسخی مغربی یک نفر رعیت مهتر کلائی را با اسب سواریش کشته، دو دست مقتول را بریده رفتند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید رعیت کرده محله هفتاد رأس گامیش تراکمه جعفربائی را چپاول کرده بردند.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه اتابائی دونفر رعیت سرخونکلائی از شهر مراجعت می کردند، نیم فرسخی مشرقی اسب و تفنگ آنها را بردند.

درباب چپاول

شب نهم ماه مذکور ترکمانهای داز ششد گوسفند باسه نفر چوپان از قریه اصفهان کلاته چپاول کرده بردند.

درباب چپاول

ایضاً شب دهم تراکمه داز یک بلوک گوسفند باسه نفر شبان از تقرتپه سه فرسخی

مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب تقاص

یازدهم ماه مرچ سی نفر تنگچی با پسر حیدرقلی خان هزار ۲۶۰ نظام جنب قریه فوجرد بسخو داشته سدنسر ترکمان اتابائی را عوض اسب و تنگ خودشان ببارومال گرو کرده به سرخونکلاه می برند. یک روزنگاه داشته اسب و تنگ را مسترد نموده ایشان هم مالهای آنها را دادند.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید تراکمه اتابائی به قریه سیاه تلورفته گوسفندی را چپاول نمایند. چوپان مستحفظ باخبر شده تیری خالی می کند. ترکمانهای سارق هم شلیک کرده چوپان مقتول شد. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب ۱۲ ماه مذکور پنج نفر ترکمان اتابائی در شهر خانه آقامحسن بنی کریمی راشکافته به قرب یکصد تومان ائاثیه اورا به سرقت برده یک نفر خیاطی را توی کوچده لخت نموده رفتند. تاجه شود.

درباب ایلخانی

اداره ژاندارم هزار ودویست تومان از طرف رئیس مالیه از بابت بقیه مالیات سنه قبل به فندرسک حواله داشته، ایلخانی در اداء وجه تسامح ورزیده چند نفر ژاندارم به امر یاورا احمدخان به منزل ایلخانی رفته تحت الحفظ اورا در اداره برده توقیف [نمودند] به فاصله شش ساعت حاج شیخ حسین وکیل با اعتصام الممالک توسط وضمانت کرده ایلخانی رارها نمودند.

درباب امیر اعظم

نواب والا به واسطه نپرداختن قروض شخصی نمی تواند حرکت نماید. ضمناً امیر اعظم مرحوم در حکومت خود ده هزار تومان ۲۶۱ به عنوان اعانه از استرآبادیها گرفته بدند و به اسم قرض الحسنه مصارف قشون نموده بودند و سند سپرده است. حالاً تجار استرآباد یک نفر نماینده خدمت نواب والا فرستاده مطالبه وجه مزبور را نموده اند که قرض پدرش را بدهد. اگر امتناع در دادن نماید به اداره عدلیه عارض بشوند.

۲۶۰- اصل: هسبر نظام.

۲۶۱- اصل: دهزار تومان (مثل همه موارد دیگر).

نمره ۱۵۵

۲۱ ما مَرچ ۱۹۲۲

شب ۱۵ مَرچ تراکمه اتابائی يك بلوك گوسفند از قریه سلطان آباد دوفرسخی مشرفی چپاول کرده بردند.

درباب چپاول

۱۶ مَرچ تراکمه جعفربائی نیم فرسخی مغربی بسخو داشته پنج بار نطف حمل به شهر بوده، بارها را انداخته مالهای مکاری را بردند.

درباب حکومت

عباس خان میرپنجه حکومت استرآباد از تاش تلگراف می کند به کفیل حکومت چندباب چادر در گرمابدشت تهیه نمایند، روز هیجدهم واردخواهم شد. درضمن امیر اعظم پولی از شاهرود از املاک شخصی خود خواسته بودند، وجه حواله رسیده، پنج هزار تومان قروض را داده بقیه را سندسپرده است از شاهرود بفرستند. اهل و عیال و اجزاء را به شاهرود حرکت داده روز شانزدهم صبحی در منزل سردار اشرف با رئیس مالیه امورات حکومتی را تصفیه کرده، مقارن ظهر سوار شده رفتند. از قرار مذکور عین الدوله حکومت شاهرود را برای امیراعظم تصویب کرده است.

درباب ورود

روز هفدهم جمعی [از] اجزاء دیوار بداتفاق اعتصام الممالک بعد از ظهر استقبال حکومت رفته سه ساعت به غروب وارد دیوانخانه شدند. لدی الورود خبر رسید تراکمه جعفربائی سی نفر پیاده در يك فرسخی مغربی بسخو داشته، شش نفر مکاری را لخت کرده بارهای نطف را انداخته مالها را بردند. تاجه اقتضا کند.

درباب شرارت

شب هیجدهم چند نفر ترکمان اتابائی توی شهر دیوار قونسلخانه را شکافته داخل می شوند. قراول باخبر شده تفنگ می زند. ترکمانها از باغ خارج شده چند تیر به عمارت قونسلخانه خالی کرده رفتند.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید پنجاه سوار از طایفه دویچی به قریه فاضل آباد کتول شش فرسخی مشرفی چپاول رفته بودند. رعایا جلوگیری نموده دوسه ساعت می مانند. دو نفر از

طرفین مقتول [و] چهارپنج نفر مجروح شده‌اند.

نمره ۱۱۵

۳ ما اپریل ۱۹۲۲

درباب چپاول

بیست و دویم ماه مرچ خبر رسید طایفه جعفربائی بیست رأس گامیش از کرده‌ها چپاول کرده بردند.

درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی دریک فرسخی مغربی ده نفر رعیت رالخت می‌نمایند. شرارت جعفربائیها به تحریک امیراعظم است. قبل از حرکت به شاهرود یک رأس اسب به نفس سردار بخشیده، در ضمن ۲۶۲ محرك شرارت شده است.

درباب نزاع

بیست و چهارم ماه مذکور خبر رسید هجوم تراکمه دویچی در فاضل آباد شکست فاحش به ترکمانها وارد شده است. چون اهالی قریه از آمدن ترکمانها مطلع بوده بسخو داشتند، سیزده نفر تراکمه مقتول و سه نفر زخمی دارند.

درباب مالیه

ایضاً وزارت جنگ تاگرافاً خبر می‌دهد اداره تحدیدونواقل و غیر مستقیم و خالصجات کلید داخل به اداره قشونی شده است. سید عبدالله خان معزول [گردیده] منتشر است که یک نفر بلجیکی به ریاست ادارات استرآباد خواهد آمد. تاجه اقتضا کند.

درباب روسها

اولاً از طرف دولت سویت روسیه یک باب تجارتخانه بزرگی در بندر جز دایر نموده‌اند. نطف را به قیمت نازل حمل می‌نمایند و ضمناً ۲۶۲ قدغن به قونسول بالشویکی شده است که به رعایای ایران تذکره ندهند. اگر بتوانند خیال دارند کلیه مال التجاره روسیه را به توسط تجارتخانه سنتارالتیوز (؟) حمل به ایران نمایند.

درباب چپاول

بیست و هشتم ماه مرچ حاج عکسرنام کردمطه [ای] چهل رأس گامیش خود را به انضمام یکصد تومان وجه نقد و غیره از ترس تراکمه از کناره دریا به سمت گلوگه

بردند. تراکمه جعفربائی با ناو آمده بسخو داشتند. مشارالیه را چند زخم کارد زده گامیش‌ها را باوجه چپاول کرده بردند.

درباب عدلیه

ایضاً وزارت عدلیه تلگرافاً به رئیس عدلیه استرآباد خبر می‌دهد مجلس تصویب نموده است عدلیه و صلحیه ولایات را منحل [کنند] فقط در ایالات و مرکز لازم است. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

خبر رسید شش هزار تومان وجه از شاهرود برای اداره قشونی حمل نموده‌اند. خبر به صحرآ رسیده سه نفر تراکمه ایلی در خیرات دوفرسخی مشرقی بسخو می‌نمایند. چهل رأس قاطر مال التجاره بدانضمام چهارصد تومان وجه نقد از شاهرود حمل شده بود، دستخوش ترکمانها می‌شود. یک نفر مکاری فرار کرده به قریه آهنگر محله می‌رود. خبر می‌دهند چند نفر تفنگچی فوراً در جنگل سر راه ترکمانها رفته مالهارا با اموال بدانضمام دورأس مال سواری ترکمانها گرفتند خدمت حکومت آوردند. امر نموده یابوی تراکمه یانگی را بایست و هشت تومان وجه که صاحبان اموال بدرعایا داده فشنگ بخرند. تاچه اقتضا کند.

درباب سؤال

وزیر جنگ از حکومت نظامی استرآباد سؤال کرده است مأخوذی حکومتی قائم مقام را تحقیقات لازمه نموده راپرت بدهند. از قرار مذکور یکصد و بیست هزار تومان استرآبادیها مأخوذی نوشته‌اند.

درباب معزولی

غره ماه اپریل مبشرهمایون (؟) رئیس تلگرافخانه استرآباد معزول [و] به‌مأموریت رشت منصوب گردیده است.

نمره ۱۴

۱۳ ما اپریل ۱۹۲۲

درباب خبر

چهارم ماه اپریل تراکمه جعفربائی بدلاجت تراکمه اتابائی ضدیت نموده یک بلوک گوسفند زیارتی [را] که به رسم امانت در اتابائی بوده چپاول می‌نمایند. طایفه اتابائی

مخبر شده عده سواری جلوگیری می نمایند. بعد از جنگ جزئی يك نفر سوار جعفربائی مجروح [شده] و گوسفندها را پس گرفتند.

در باب تجارت

ایضاً خبر رسید يك پراخوت که دارای ظروف و شیشه لامپا و مال فرعی و قند روسی بوده وارد بندر جز گردیده به قیمت نازل به فروش رسانیده در عوض گندم و جو خریده حمل می نمایند.

در باب بالشویکها

آمدن قونسول بالشویکی در استرآباد برای جذب قلوب اهالی است. منتشر می نمایند بالشویکها هندوستان را منقلب ساخته دولت انگلیس [را] عمأ قریب دچار محذورات خواهند نمود. در ضمن رؤسای تراکه را به دادن وجه گزافی محرك هستند. چون جنس ترکمان را لازم [به] تحریک نیست، اصلاً بالشویک حقیقی هستند، لکن با گرفتن وجه از فرقه بالشویکها ابدأ عقیده به مسلک آنها ندارند. تاچه اقتضا کند.

در باب قرارداد

بابت کنترات نطف شمال اشخاص معترض در مجالس مطالبی را برای مردم عوام عنوان می نمایند، که خصومت ایرانیها را با دولت فخریه مشتعل ساخته علناً حرفهای معترضه [گفته] و توهین می نمایند. در بندر جز بالشویک پرستان کمیته [ای] دارند که مختص است برای انقلاب و انتشار حرفهای موهوم.

در باب اعانه

هشتم ماه مذکور حکومت استرآباد به وزیر جنگ راپرت می دهند مقداری گشته و بادام از دامغان به عنوان اعانه برای قحطزدگان روسیه حمل بندر جز شده است اجازه به گمرکخانه داده حمل نمایند.

در باب اغتشاش

تاکنون پولی برای حکومت استرآباد نرسیده است. ترکمانها با کمال قوه و قدرت شرارت می نمایند. دهم ماه اپریل مهدی شاه ایلخانی به اتفاق سردار اشرف به امر حکومت در قریه محمدآباد رفته تراکه اتابائی را اطمینان داده به شهر رفت و آمد نمایند. چند نفر از طایفه جعفربائی به اتفاق ایشان خدمت حکمران آمده معظم الیه تغیر و تشدد زیادی به آنها کرده امر نمود بروید مالهای مسروقه اهالی را جمع کرده بیاورید و الا قشون که از طهران خواستند به زودی می رسد و برای سرکوبی و مجازات شما حاضریم. ترکمانها تعرضاً مراجعت کرده اعتنائی نکردند.

نمره ۱۳۵

۲۵ اپریل ۱۹۲۲

درباب تبلیغ

تجارتخانه بالشویکی که در بندر جز باز شده است کلیه مقصود آنها تبلیغ اهالی ایران [و] مشرق زمین است. مجیداف بادکوبه [ای] که در استراباد ساکن شده تجارت شرق را از بندر جز واگذار به مشارلید نموده اند که مالالتجاره از قبیل قند و نبط و شیشه و غیره حمل نموده و مبلغ بالشویکی هم بوده باشد. تاجه اقتضا کند.

درباب منحل شدن عدلیه

اینجا تلگراف رسیده است چون عدلیه استراباد منحل شده آقامیرجوان ملقب به... ۲۶۳ رئیس عدلیه نوشتجات و دفاتر عدلیه را تسلیم حاج شیخ غلامحسین که قاضی محکمه [است] نموده چهاردهم ماه مذکور عزیمت به طهران نمودند.

درباب خبر

شائزدهم ماه مذکور خبر رسید از تراکمه آخال و عشق آباد برای رؤسای گوکلان نوشته اند کلیه باید ایل و طوایف یموت یک نقطه نظری را تصور نموده خود را از ایران خارج نمایند و منتشر است که هزار سوار از طرف بالشویکها مأموریت دارند به گنبد قابوس آمده تراکمه رعیت ایران را ضمیمه رعایای روس بنمایند ۲۶۴. تاجه اقتضا کند.

درباب تذکره

به عرض رسانیده بود قونسول استراباد تذکره تجارت را پاتزده مناط طلا می گرفتند و امضاء می کردند، لذا تجار ایرانی با کمال میل وجه را می دادند. یک [مادو] نیم قدغن سخت شد ابدأ به تجار تذکره ندهند و رشته تجارت منحصر به تجار روسی باشد. وزارت جنگ و خارجه ایران هم امر کرده بود کار گزار بادکوبه به همین معادل از تجار روسی وجه تذکره بگیرند. کار گزار استراباد توضیحاً به وزارت خارجه پیشنهاد کرده شما قدغن کرده معارضه به مثل نمایند این خبط است بدعت آنکه تجار روس چندان با ایران رفت و آمد ندارند. پنج نفر آنها مطابق با صد نفر ایرانی می شود نمود. صرفه بزرگی باروسها است، لهذا با سفارت بالشویکی مذاکره و قرار دادند از تجار ایرانی پنج مناط بگیرند امضاء نمایند. مزدوران ایرانی مجانی مسافرت نمایند.

۲۶۳ - دو کلمه ناخوانا.

۲۶۴ - اصل: می نمایند.

درباب حکومت

روز هیجدهم ماه اپریل خوانین جعفربائی خدمت حکومت آمده اظهار ارادت نموده معظم‌الیه مهربائی [کرده] چند طاقه‌شال به آنها داده اظهار داشت قشون به‌همین زودی از طهران می‌رسد. چهارصدنفر بدریاست کلنل محمدخان ضمیمه استرآباد گردیده که جمعاً هزار نفر عمده بشود، لکن حکومت استرآباد منتشر می‌نماید دولت ایران برای سرکوبی طوایف یموت دو بالان ۲۶۵ خریداری کرده است بدزودی خواهند فرستاد. ترکمانها از این حرفها [ی] پوئیتیکی خیالی ندارند. تاجچه اقتضا کند.

نمره ۱۴۵

غره ماه می ۱۹۲۲

درباب عقیده

روسها منتشر نموده‌اند بالشویکها به‌توسط افغانها هندوستان را منقلب نموده‌اند. پنج «کردارمه» ۲۶۶ قشون ماهم از راه عشق‌آباد به سمت خراسان و راه بلوچستان بعد از یک‌ماه دیگر می‌روند.

درباب روسها

یک‌نفر قزاق‌باشی روس که سابقاً در اداره ژاندارم مستخدم بوده او را خارج نموده‌اند و بندر جز دکان قهوه‌خانه باز کرده است. چند نفر ژاندارم به قهوه‌خانه می‌روند، تراعی اتفاق افتاده چوب مفعلی بد قزاق روس می‌زنند. ۲۲ ماه اپریل مشارالیه تلگرافاً بدقونسول شکایت می‌نماید. جواب می‌دهد اشخاصی که از قونسلخانه نوشته امنیت نداشته باشند تحت‌الحمايه نخواهند بود. تاجچه شود.

درباب جشن

شب ۲۶ ماه و بیست و هفتم ماه شعبان اداره قشونی استرآباد در عمارت آقامحمد خان جشن و آیین‌بندی خوبی می‌نمایند. بدتوسط حکومت به قرب پانصدتومان بایعاً مجانی و صدتومانی و یک تومانی، دوهزاری توی شهر بدعموم مردم تقسیم می‌نمایند. بازی «تیاطر» ۲۶۷ و تقلید گرفتن رشوه وزراء ایران را که مأمورین جزء می‌گیرند نمایش داده و صدتومان هم پول شربت و جای از مردم گرفتند که جمعاً شصت تومان [و] خرده وجه به اسم صندوق معارف جمع نموده‌اند.

۲۶۵ - (بالون).

۲۶۶ - Corps d'armée

۲۶۷ - (تئاتر).

درباب نزاع

بیست و پنجم اپریل تراکمه جعفربائی ہشتاد نفر از اتابائی چپاول می نمایند. ایشان تقاص کرده جعفربائی را اسیر کرده، یک نفر اسیر از اولاد عثمان و از سلسله شیخ بوده ترکمان اتابائی را تیر کرده مقتول [ساخته]، اسب او را سوار شده بدمترش رفت. سه روز دیگر عده [ای] پیرمردان اتابائی آمده چون قاتل اولاد عثمان بوده صاحبان خون گذشت نمودند.

درباب تجارت

راه دریا باز شده است. تجار استرآباد بفریاد تجارت گموش تپه با لتکا و نساو مال التجاره زیادی از قبیل جو و گندم و آرد و گشته باز ۲۶۸ و بادام و گردو حمل بدروسید می نمایند. با اجناس روسی و متفرقه بدقیمت سهلی معاوضه [می کنند]. در این هفته عده کثیری بدسمت حاج ترخان عزیمت نموده اند.

درباب دعوت

شب بیست و هفتم شعبان جشن احمدشاه که قونسول دعوت داشته اظهار می دارد شصت نفر از محترمین روسید برای جشن سال اول دولت بالشویکی بداسترآباد خواهند آمد. از روز بیست و نهم اپریل مشغول تهیه [بوده] و اهالی استرآباد فردا فرن از تجارت و کسبه و اعیان دعوت نامه فرستاده از شب دویم ماه می تا آخر ماه همدشب اهالی قونسالخانه حاضر ۲۶۹ شده همه نوع پذیرائی ۲۷۰ خواهند شد و ضمناً ۲۷۱ [بدعرض] می رساند که مردم را بداین عنوان تحیب کرده مبلغ می باشند و دعوت بدفرقه بالشویکی [می نمایند].

نمره ۱۵

۱۵ ماه می ۱۹۲۲

درباب ورود

دویم ماه می کانال مجددخان بایکصد و پنجاه نفر قزاق پیاده از رود شاهرود وارد استرآباد شدند.

درباب قتل

حسین خان طایفه قاجار برای سرقت یک رأس اسب بدطایفه جعفربائی می رود که

۲۶۸ - (=خشکه بار)، کشته بار.

۲۶۹ - اصل: حاضر (همه جا).

۲۷۰ - اصل: پذیرائی (همه جا).

۲۷۱ - اصل: ظمناً (در همه موارد).